

تأثیر مهاجری‌ن افغانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران^۱

دکتر زهرا کری‌هی موغاری*

تاریخ ارسال: ۱۳۸۲/۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۲/۱۲/۴

چکیده

پناهندگان افغانی که به طور عمده در پاکستان و ایران مأوی گزیده‌اند، حدود $\frac{2}{5}$ از کل پناهندگان جهان را تشکیل می‌دهند. جنگ طولانی، اقتصاد در هم شکسته و خشکسالی‌های پی در پی در افغانستان نه تنها مانعی بر سر راه بازگشت مهاجری‌ن افغانی بوده، بلکه به طور مداوم موج جدیدی از پناهندگان را ایجاد کرده است. از کل مهاجری‌ن افغانی که در ایران پناه گرفته‌اند، کمتر از ۱۰ درصد در اردوگاه‌های ویژه پناهندگان جای گرفته‌اند و بقیه در شهرها و روستاها و در میان ایرانی‌ان زندگی و از طریق کار خوی‌ش امرار معاش می‌کنند. تقریباً تمامی کارگران افغانی به صورت غیرقانونی مشغول به کار می‌شوند. مهاجری‌ن افغانی عموماً کارگران غیرماهر و ارزان‌قیمتی هستند که هر کاری را که به آنها پیشنهاد شود؛ می‌پذیرند. این افراد مشاغل سختی را به عهده گرفته‌اند، که در گذشته مهاجری‌ن روستایی ایرانی‌ان انجام می‌دادند. پس از پایان جنگ افغانستان در نوامبر سال ۲۰۰۱، بسیاری از پناهندگان افغانی به کشور خود بازگشتند، ولی به سبب خشونت‌های قومی و فرقه‌ای، فقدان فرصت‌های شغلی و رکود اقتصادی در اکثر نقاط کشور، به تدریج از شمار داوطلبان به بازگشت کاسته شد و برخی از کسانی که به امید زندگی بهتر به افغانستان بازگشته بودند؛ مجدداً به ایران آمدند. در حال حاضر، هیچ چشم‌انداز روشنی برای بازگشت پناهندگان وجود ندارد. در طول بی‌ش از ۲ دهه، کارگران افغانی عرضه نیروی کار ایرانی‌ان را افزایش داده‌اند به همین جهت، طی این دوره افزایش دستمزد کارگران غیرماهر، به ویژه در بخش ساختمان، که کارگران افغانی در آن سهم بالایی دارند؛ بسی‌ار کند بوده است.

در این پژوهش، برای تخمین تأثیر مهاجری‌ن افغان بر نرخ بی‌کاری، معادلات رگرسی‌ونی تخمینی زده شده است. نتایج این محاسبات نشان می‌دهد که کارگران افغانی در استان‌های نسبتاً پر رونقی چون تهران، اصفهان، خراسان و... مشغول به کار شده‌اند که تقاضا برای نیروی کار ساده در آنها بالا بوده است. از آنجا که کارگران

۱. این مقاله در سمینار بین‌المللی تحت عنوان "تقابل‌ها و همکاری‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا" در ژوئن سال ۲۰۰۳ در دانشگاه ورسای (فرانسه) ارائه شده است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه مارن‌دران

ایرانی به سهولت می‌توانند در کشور جا به جا شوند؛ حضور کارگران افغانی در برخی از استان‌ها سبب افزایش نرخ بی‌کاری در نقاط شهری و روستایی این استان‌ها نشده است، ولی نرخ بی‌کاری در کل کشور بالا رفته است.

واژه‌های کلیدی: بازار کار، مهاجرین افغانی، دستمزد و اشتغال.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

براساس آمار انتشار یافته از سوی سازمان ملل، در سال ۲۰۰۲ حدود ۲۲ میلیون پناهنده در جهان وجود داشته است (UNHCR, 2003). بخش کوچکی از این گروه در کشورهای صنعتی پناه گرفته‌اند و قسمت اعظم آنان ساکن کشورهای در حال توسعه هستند. به عبارت دیگر، کشورهای فقیر بار اصلی پذیرش پناهندگان را به دوش می‌کشند. ایران با پذیرش حدود دو میلیون سیصد و پنجاه هزار افغانی مهاجر (وزارت کشور، ۱۳۸۰)، یکی از کشورهای است که بالاترین شمار پناهندگان را در خود جای داده است.

در طول سال‌های ۱۹۷۹-۲۰۰۱ حدود ۳۰ درصد از جمعیت افغانستان کشور خود را ترک گفته‌اند (UNHCR, 2002). مهاجرت افغان‌ها طی دو دهه گذشته، یکی از بزرگترین مهاجرت‌ها در طول سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بوده است.

مهاجرت حدود ۲/۵ میلیون نفر به ایران و ۳ میلیون نفر به پاکستان مشکلات و نگرانی‌هایی را برای دو کشور بوجود آورده است. بسیاری از مهاجرین افغانی از سال ۱۹۸۰ به این دو کشور پناهنده شده‌اند.

جنگ داخلی افغانستان در سال ۲۰۰۱، با مداخله امریکا، به پایان رسید ولی جنگ طولانی ۲۲ ساله ستون فقرات اقتصاد کشور را در هم شکسته است. اوضاع نابسامان اقتصادی در افغانستان مانع از بازگشت پناهندگان شده است. حتی هنوز گروه‌هایی از مردم افغانستان در تلاش هستند که این کشور را ترک کنند و به ایران بیایند.

مهاجرین افغانی عموماً بی‌سواد و غیر ماهر هستند و به صورت غیرقانونی در ایران کار می‌کنند. آنان ناگزیرند که کارهای دشوار را با دستمزدهایی نسبتاً پایین انجام دهند. آنها نمی‌توانند از شرایط بد و بی‌ساعات طولانی کار شکایت کنند. از این رو، بسیاری از کارفرمایان ترجیح می‌دهند که به جای کارگران ایرانی، افغانی‌ها را استخدام کنند.

در کل، کارگران افغانی با افزایش عرضه نیروی کار، سبب کاهش دستمزد کارگران غیرماهر شده‌اند. به عبارت دیگر، حضور افغانی‌ها در بازار کار ایران به نفع کارفرمایان و به زیان کارگران غیرماهر ایرانی بوده است.

کارگران غیر ماهر ایرانی از داشتن اتحادیه‌های کارگری اصلی و قدرتمند بی‌بهره‌اند، به همین دلیل آنها نمی‌توانند در مقابل دستمزد پایین و شرایط نامناسب کار اعتراض کنند. بدین ترتیب، حضور بی‌ش از ۸۹۰ هزار کارگر افغانی در بازار کار ایران مشکلات فراوانی را برای کارگران ایرانی به وجود آورده است.

در این مقاله، تأثیر کارگران افغانی بر دستمزد و نرخ بی‌کاری در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمت دوم به مرور مقالاتی خواهیم پرداخت که تأثیر مهاجرین بر بازار کار کشورهای مهاجرپذیر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این قسمت، الگوی بورجاس (Borjas, ۱۹۹۵) و نتایج آن مطرح شده است.

در قسمت سوم، وضعیت پناهندگان افغانی در بازار کار ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. قسمت چهارم به بررسی تأثیر کارگران افغانی بر سطح دستمزد و نرخ بی‌کاری در ایران اختصاص یافته است. در قسمت پنجم، موضوع بازگشت مهاجرین افغانی مطرح شده و در بخش آخر، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله ارائه شده است.

۲. تأثیر کارگران مهاجر بر بازار کار کشورهای مهاجرپذیر

مهاجرت‌های توده‌ای ناشی از جنگ یا بلایای طبیعی مانند قحطی، زلزله، درگیری‌های قومی و قبیله‌ای و... است. مهاجرین عموماً به دنبال مکانی امن برای زندگی و کار هستند. انگیزه‌های اقتصادی در کنار تلاش برای بقا، مهمترین علل مهاجرت است و مطالعات بسیاری از جمله (Green and Green (1993), Altonji and Card (1991), Weinstein, (2002), Dunlevy and Saba (1992) این واقعیت را مورد تأیید قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهاجرینی که از جنگ می‌گریزند به سوی مرزهای کشورهای همسایه مهاجرت می‌کنند. در مرحله اول، در مناطق مرزی مسکن می‌گزینند و سپس، به سوی شهرها و ایالاتی که احتمالی‌افتن کار در آنها نسبتاً بالاتر است و دستمزدها خوب هستند، نقل مکان می‌کنند. هم موافقین و هم مخالفین کارگران مهاجر معترف هستند که حضور مهاجرین تأثیر جدی بر کشورهای مهاجرپذیر بر جای می‌گذارد. به عبارت دیگر، افزایش شمار کارگران مهاجر منافع و هزینه‌هایی را دربر دارد.

آثار مثبت کارگران مهاجر بر اقتصاد کشورهای مهاجرپذیر و مهاجر فرست عبارتند از: افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه برای مصرف‌کننده، افزایش سود بنگاه‌ها، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین، بهبود سطح زندگی کارگرانی که از کشورهای فقیرتر آمده‌اند، کاهش نرخ بی‌کاری در کشور مهاجر فرست و....

لیکن علی‌رغم آثار مثبت فوق‌الذکر، با کارگران غیری‌ماهر مهاجر در کشورهای مهاجرپذیر غالباً با اهانت برخورد می‌شود، زیرا، به نظر می‌رسد که هزینه‌های این‌گونه مهاجرین بیش از منافع ناشی از حضور آنان است. همواره این سوءظن وجود دارد که بخش قابل توجهی از مشکلات اجتماعی

کشورهای مهاجرپذیر ناشی از وجود شمار کثیری از مهاجران کم سواد و بی‌تخصص است. Teitelbaum and Winter (1998).

به طور مثال، استفاده از یارانه‌های دولتی برای مواد غذایی، انرژی، آموزش، بهداشت و... ایجاد تراکم در زیرساخت‌های اقتصادی جاده‌ها، بیمارستان‌ها، مسکن و... و مسائل مربوط به حفظ محیط زیست و امنیت اجتماعی نمونه‌هایی از هزینه‌های حضور این گروه از مهاجرین است. با این وجود، شمار کارگران غیرماهر مهاجر در بسیاری از کشورها رو به افزایش است. این کارگران در پایین‌ترین پله‌های نردبان شغلی قرار می‌گیرند، از کمترین حقوق سببی و اجتماعی برخوردار هستند و در مقایسه با کارگران بومی دستمزدهای پایین‌تری دریافت می‌کنند و در نتیجه بر سطح دستمزد و نرخ بیکاری کشورهای مهاجرپذیر به نحو معنی‌داری تأثیر می‌گذارند.

۲-۱. تأثیر مهاجرین بر سطح دستمزد

یکی از مهمترین آثار مهاجرت کاهش دستمزد کارگران بومی است. نیروی کار مهاجر، جای‌گزین بسیاری از نیروی کار غیرماهر بومی است، لذا، افزایش عرضه نیروی کار، به دلیل حضور مهاجرین، دستمزد نیروی کار غیرماهر بومی را کاهش می‌دهد.

برخی از اقتصاددانان اظهار می‌دارند که اگر با حضور کارگران مهاجر درآمد نیروی کار بومی کاهش می‌یابد، پس در مناطقی که سهم بالایی از مهاجران را جذب کرده باشد شاهد کاهش دستمزدها باشیم. ولی مشاهدات تجربی نشان می‌دهند که چنین تأثیری معنی‌دار نیست (Greenwood and McDowell, 1994, Borjas, 1994). برخی از مطالعات انجام شده در این عرصه همبستگی منفی ضعیفی را میان شمار مهاجرین و نرخ دستمزد در مناطق مختلف یافته‌اند. به طور مثال، آلتونجی و کارد^۱ (۱۹۹۱)، به این نتیجه رسیدند که تغییری در نسبت مهاجرین در شهرهای بزرگ ایالات متحده امریکا در طول سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بر دستمزد نیروی کار غیرماهر بومی تأثیر منفی داشته است. ولی بر مبنای این گونه مطالعات مقطعی نمی‌توان حکم کرد که مهاجرین بر دستمزدهای نسبی کارگران بومی در کلیه مناطقی که حضور داشته‌اند تأثیر گذاشته‌اند، زیرا، بازار نسبت به حضور مهاجرین عکس‌العمل نشان می‌دهد و این تأثیر در مناطق مهاجرپذیر کاهش می‌یابد و در سراسر کشور پخش می‌شود.

فرایند خودکاربرابر سازی قیمت عوامل تولید مانع از آن است که رابطه مستقیمی میان مهاجرت و دستمزد در مطالعات مقطعی مربوط به شهرها و مناطق مختلف کشور مهاجرپذیر دیده

1. Altonji and Card (1991).

شود

(Chiswick, 1993).

زمانی که دستمزد در برخی مشاغل کاهش می‌یابد؛ کارگران بومی گرایشی به آن مشاغل نشان نمی‌دهند ولی مهاجران بی‌شتری به سوی چنین فعالیتهایی جذب می‌شوند. بدین ترتیب، کارگران بومی به نحو فزاینده‌ای به سوی دیگر فعالیت‌ها می‌روند. بنابراین، کارگران مهاجر عموماً برای مشاغلی استخدام می‌شوند که کارفرمایان در جذب کارگران بومی به آنها دچار مشکل هستند. در اثر حضور کارگران مهاجر نرخ افزایش دستمزد در این گونه مشاغل، درمقایسه با مشاغلی که کارگر مهاجر استخدام نمی‌کنند، پایین است. لذا، در طول زمان فعالیت‌هایی که عمدتاً کارگران مهاجر انجام می‌دهند، بی‌شتر و بی‌شتر از کارگران بومی خالی می‌شود.

نیروی کار مهاجر ممکن است بر تولید ناخالص ملی تأثیر مثبتی داشته باشد. لذا، تأثیر بلندمدت حضور مهاجرین در بازار کار کشورهای مهاجرپذیر کمتر از آن است که غالباً انتظار می‌رود. محاسبات کارد نشان می‌دهد که ۱ درصد افزایش نیروی کار در اثر حضور مهاجرین در ایالات متحده امریکا، در بلندمدت نرخ دستمزد واقعی را ۰/۵ درصد کاهش می‌دهد (Card, 1990).

شاید ساده‌ترین الگوی اقتصادی که آثار کارگران مهاجر در بازار کار کشورهای مهاجرپذیر را نشان می‌دهد، الگوی بورجاس^۱ (۱۹۹۵) است. در این الگوی فرضی دو کشور و یک بخش وجود دارد و فرض شده که هزینه مبادله صفر و نیروی کار همگن است. بر مبنای این الگو کشور مهاجرپذیر از حضور کارگران مهاجر بهره‌مند می‌شود، زیرا، بهره‌وری نیروی کار افزایش می‌یابد ولی در عین حال حضور مهاجرین سبب می‌شود که توزیع مجدد درآمد در میان کارگران و کارفرمایان بومی صورت پذیرد. در این الگو نیروی کار به دو بخش M نیروی کار عرضه شده به وسیله مهاجرین و N نیروی کار بومی تقسیم شده است. همان گونه که در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود، دو منحنی عرضه So و Sm معرف عرضه نیروی کار در کشور مهاجرپذیر به ترتیب درغیاب و در حضور نیروی کار مهاجر هستند. انتظار می‌رود که Wm پایین‌تر از سطح دستمزد (Wo) و بالاتر از سطح دستمزد در کشور مهاجر فرست

(Wa) باشد. حضور کارگران مهاجر سه اثر در پی خواهد داشت: دستمزد بالاتر برای کارگران مهاجر، کاهش دستمزد کارگران بومی و انتقال بخشی از درآمد کارگران بومی به صاحبان سرمایه (جدول (۱)).

جدول - ۱. مهاجرت در خدمت منافع گروهی خاص (الگوی مهاجرت بورجاس)

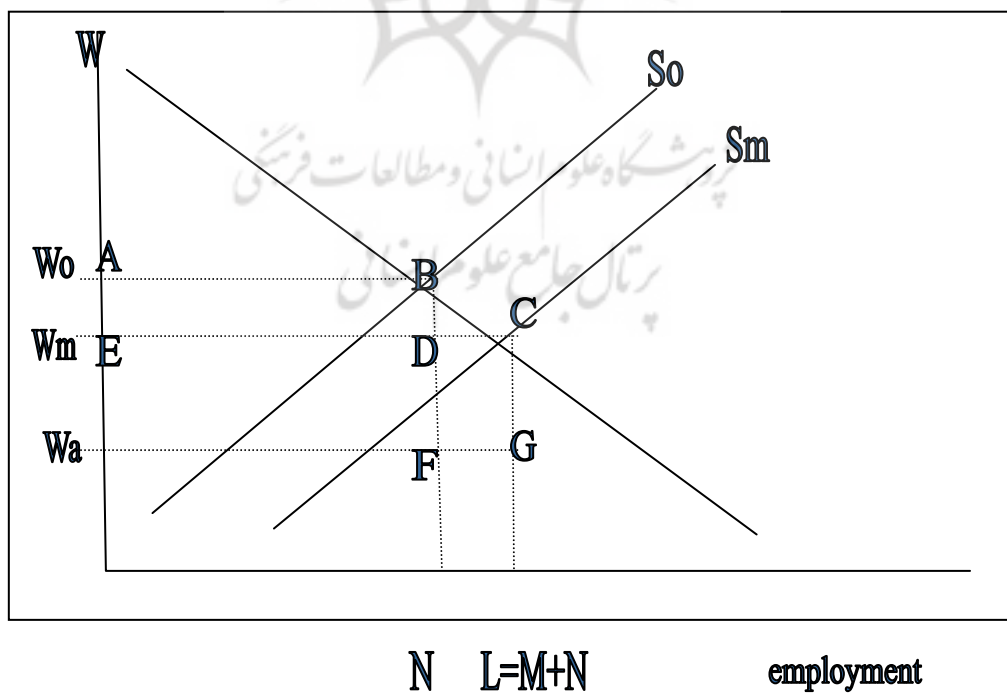
نمایش هندسی	تأثیر حضور کارگران مهاجر
مثلث BCD	منفعت خالص برای اقتصاد بومی
مستطیل ABDE	زیان خالص برای کارگران بومی
مستطیل ABDE + مثلث BCD	منفعت خالص برای سرمایه بومی
مستطیل DCGF	منفعت خالص برای کارگران مهاجر

بورجاس بیان می‌دارد که درشرایطی که امکان چانه‌زنی جمعی میان اتحادیه‌های کارگری و تشکل‌های کارفرمایی وجود دارد، می‌تواند به نحوی زیان کارگران بومی جبران شود، در حالی که کارگران مهاجر نیز اجازه داشته باشند به کار خود ادامه دهند. ولی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مهاجرپذیر، کارگران بومی از داشتن اتحادیه‌های کارگری اصلی و قدرتمند بی‌بهره‌اند و نمی‌توانند کارفرمایان را متعهد سازند که زیان وارده بر آنان را به نحوی جبران کنند. در نتیجه، حضور کارگران مهاجر در این کشورها به کاهش دستمزدها و انتقال درآمد از کارگران بومی به صاحبان سرمایه منجر می‌شود. بنابراین، گشودن بازار کار بر روی کارگران مهاجر به مثابه نوعی مالیات عمل می‌کند که به توزیع مجدد درآمد به نفع کارفرمایان می‌انجامد.

نمودار - ۱. مهاجرت در خدمت منافع گروهی خاص*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* منافع خالص ناشی از مهاجرت در الگوی بورجاس (مثلث BCD) در اثر پذیرش M نفر کارگر مهاجر امکان‌پذیر شده است، در عین حال، در اثر حضور مهاجرین مستطیل ABDE از کارگران بومی به صاحبان سرمایه منتقل شده است.



۲-۲. تأثیر مهاجری بر سطح اشتغال

کارگران مهاجر برای یافتن کار با کارگران بومی رقابت می‌کنند. بدیهی است که کارفرمایان کارگرانی را استخدام می‌کنند که هزینه کمتری داشته باشند. اگر هزینه استخدام یک کارگر بومی بسیار بالاتر از کارگر مهاجر باشد؛ کارفرما ترجیح می‌دهد که کارگر مهاجر را استخدام کند. تنها زمانی کشور مهاجرپذیر از حضور کارگران مهاجر بهره‌مند خواهد شد که مهاجری نرخ دستمزد را کاهش دهند (بورجاس، ۱۹۹۵، ص ۱۰).

کشور مهاجرپذیر از کاهش دستمزد و افزایش همزمان تولید و اشتغال سود می‌برد. ولی در چنین شرایطی درآمد کارگران بومی درنتیجه حضور نیروی کار مهاجر کاهش می‌یابد. بسیاری از مطالعات تجربی نشان می‌دهند که نرخ بی‌کاری در مناطقی که مهاجری مسکن گزیده‌اند، افزایش نیافته است. به طور مثال، کارد (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که ورود ۴۵۰۰۰ کوبایی به میامی (حدود ۷ درصد از نیروی کار این منطقه)، به دلیل تحرک نیروی کار، هیچ تأثیر بلندمدتی بر عرضه نیروی کار و سطح دستمزد کارگران سفید پوست، سیاه پوست و اسپانیایی‌های ساکن در منطقه نداشته است. بنابراین، افزایش عرضه نیروی کار در یک منطقه خاص، نرخ بی‌کاری را در همان منطقه افزایش نمی‌دهد. ولی افزایش بی‌کاهش نرخ بی‌کاری در کل کشور، به تأثیر دستمزد بر رشد اشتغال و تولید بستگی دارد. اگر به هنگام افزایش عرضه نیروی کار و کاهش دستمزد و هزینه تولید نرخ رشد اقتصادی افزایش یابد، ممکن است نرخ بی‌کاری افزایش پیدا نکند.

۳. مهاجری افغانی در بازار کار ایران

پس از اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳، دولت ایران پروژه‌های بزرگی را در نقاط مختلف کشور آغاز کرد و فعالیت در بخش ساختمان، از سوی بخش عمومی و خصوصی، به نحو قابل توجهی افزایش یافت. رونق در بخش ساختمان به افزایش تقاضا برای کارگران غیرماهر ارزان قیمت انجامید. برای جلوگیری از بروز ماریج دستمزد - قیمت، دولت ورود کارگران خارجی را تشویق کرد. کارگران افغانی، پاکستانی، هندی، فیلیپینی، کره‌ای و... در طول سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۶ وارد ایران شدند. در سال ۱۳۵۶ حدود ۴۰۰ هزار افغانی در ایران کار می‌کردند. حضور کارگران افغانی فصلی در استان‌های شرقی ایران معمول بود (هدایت، ۱۳۶۵).

پس از انقلاب، کارگران خارجی ایران را ترک گفتند. چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جنگ داخلی در افغانستان آغاز شد. جنگ طولانی، ناامنی و فقر موجب شد که می‌لی‌ون‌ها افغانی، غالباً به صورت غیرقانونی وارد مرز ایران شوند (هدایت، ۱۳۶۵).

شمار کثیری از افغان‌ها به پاکستان پناه بردند ولی دولت پاکستان مرزهای ورودی را با دقت بیشتری کنترل می‌کرد، به همین جهت، حدود ۸۰ درصد از پناهندگان افغانی در پاکستان، در اردوگاه‌های ویژه اسکان یافتند. ولی در سال‌های اول پس از انقلاب در ایران راه کار معینی برای پذیرش پناهندگان افغانی وجود نداشت. احساس ضرورت برای کمک به برادران مسلمان افغانی که زیر فشار ارتش شوروی قرار داشتند و مرز گسترده غیرقابل کنترل می‌ان ایران و افغانستان، مانع از نظارت دقیقی بر ورود افغان‌ها به خاک ایران شد. به همین دلیل بیش از ۹۰ درصد از افغان‌های مهاجر وارد شهرها و روستاهای ایران شدند و برای تأمین مخارج خود، مشغول به کار شدند. در حالی که کنترل بیشتری بر روی پناهندگان افغانی از ابتدا امکان پذیر بود (نظری، ۱۳۶۷ الف).

در طول سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۸ (دوران جنگ مجاهدین افغانی با ارتش شوروی)، حدود ۲ می‌لی‌ون افغانی به ایران وارد شدند. در سال ۱۹۸۹ ارتش شوروی افغانستان را ترک کرد و با تشکیل دولت اسلامی در افغانستان، ایران، که خود با مشکل بی‌کاری در کشور دست به گریبان بود، با کمک کمی‌ساری‌ای عالی پناهندگان سازمان ملل برای بازگشت پناهندگان افغانی اقدام کرد.

طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۳ حدود یک می‌لی‌ون پناهنده افغانی به کشور خود بازگشتند، ولی با شروع جنگ می‌ان گروه‌های مختلف اسلامی و پی‌روزی طالبان، موج جدیدی از خشونت و قوم‌کشی در افغانستان آغاز شد. پناهندگان سابق به همراه شمار کثیری از پناهندگان جدید، به صورت غیرقانونی، وارد ایران شدند (مخملیاف، ۲۰۰۱).

برخی از پناهندگان با خانواده خود وارد ایران شدند، ولی اکثر آنان مردانی بودند که برای یافتن کار به ایران آمدند و بسیاری از آنان پس از یافتن کار و محل زندگی نسبتاً با ثبات، خانواده خود را نیز به ایران آوردند. بدیهی است که گذشته از جنگ و ناآرامی‌های سیاسی، رکود اقتصادی در افغانستان یکی از دلایل عمده مهاجرت کارگران افغانی به ایران بوده است. افغان‌ها می‌دانند که سطح زندگی در ایران بالاتر از افغانستان است و پایین‌ترین دستمزد در ایران، در مقایسه با افغانستان، درآمد نسبتاً خوبی است^۱.

۱. حقوق یک پزشک در افغانستان ماهانه حدود ۱۵ دلار است (مخملیاف، ۲۰۰۱)، در حالی که دستمزد یک کارگر ساده در ایران حدود ۱۰۰ دلار در ماه است.

حکومت طالبان در نوامبر سال ۲۰۰۱ (آذرماه ۱۳۸۰) سقوط کرد و بسیاری از کشورهای جهان تعهد کردند که در بازسازی افغانستان مشارکت کنند، ولی این بار پناهندگان افغانی نمی‌خواهند به کشورشان بازگردند. آنان، نسبت به آیینده افغانستان خوش بین نیستند و نمی‌خواهند ری‌سک رویارویی با یک بحران جدی‌د را بپذیرند (UNHCR، ۲۰۰۳ الف).

بیش از دو دهه جنگ داخلی زیرساخت‌های اقتصادی این کشور را نابود کرده و صدها هزار مین که در سراسر افغانستان جاسازی شده‌اند، خطر بزرگی برای زندگی مردم به‌وجود آورده است. آشفتگی اقتصادی در شهرها ادامه دارد و چشم انداز روشنی نسبت به آیینده وجود ندارد. به دلیل فقدان سرمایه‌گذاری، فرصت‌های شغلی جدی‌د بسیاری به ندرت ایجاد می‌شود. در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) متوسط دستمزد واقعی برای کارگران روز مزد در شهرهای بزرگ افغانستان به شدت کاهش یافت. حقوق ماهانه فرماندار هرات در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۵ دلار، روزانه حدود ۵۰ سنت^۱ بوده است (UNHCR، ۲۰۰۳ ب).

شرایط نامساعد اقتصادی نه تنها مانع از بازگشت پناهندگان به افغانستان بوده، بلکه مهاجرت‌های تازه‌ای موجب شده است. در حال حاضر نیز، تعداد زیادی از افغان‌ها به صورت قانونی و غیرقانونی وارد ایران می‌شوند. همه روزه صف طویلی، برای دریافت رواید، در مقابل سفارت ایران در کابل تشکیل می‌شود (بنی‌عقوب، ۲۰۰۳).

در اسفند سال ۱۳۷۹، ایران با کمک کمی‌ساری‌ای عالی پناهندگان سازمان ملل، اجرای طرح شناسایی افغان‌های ساکن ایران را آغاز کرد. این طرح در اردی‌بهشت سال ۱۳۸۰ به پایان رسید. براساس نتایج حاصل از اجرای این طرح، حدود ۲/۳۵۰/۰۰۰ افغانی در ایران زندگی می‌کنند که از میان آنان حدود ۸۹۰ هزار نفر در بازارکار ایران حضور دارند. ولی برخی از کارشناسان معتقدند که آمار طرح شناسایی دقیقی نیست و با احتساب کودکان و زنان افغانی شاغل در ایران تعداد کارگران افغانی به بیش از یک میلیون نفر بالغ می‌شود (کار و کارگر، ۱۳۸۰ الف).

افغانی‌هایی که به صورت غیرقانونی وارد ایران می‌شوند، باید مبالغ هنگفتی را به قاچاقچی‌ها بپردازند تا ورود آنها را به ایران تسهیل نماید. افغان‌های فقیر، که پول کافی ندارند، متعهد می‌شوند که پس از شروع به کار در ایران، بخشی از درآمد خود را هر ماهه به این افراد بپردازند (بهار، ۱۳۸۱).

۲. حداقل دستمزد کارگران افغانی در ایران، ۲۰۰۰ ریال (۴ دلار) در روز است.

با توجه به اشتغال غیرقانونی افغانی‌ها در ایران، آمار صحیحی در این رابطه در دست نیست. حتی در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ اطلاعات موثقی در مورد مهاجری‌ن افغانی وجود ندارد. افغانی‌ها از بی‌ان وضعی‌ت شغلی خود اجتناب می‌کنند؛ زیرا، می‌ترسند که کار خود را از دست بدهند. برخی از آنان، به ویژه کسانی که توانسته‌اند از قاچاقچی‌ها شناسنامه‌های ایرانی خریداری کنند، خود را ایرانی معرفی می‌کنند. بعضی از افغان‌ها که مدت طولانی در ایران زندگی می‌کنند، می‌توانند بدون لهجه افغانی، فارسی صحبت کنند.

پذیرش شمار کثیری پناهنده، بار سنگینی را بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است. دولت ایران مبالغ قابل توجهی به صورت یارانه نان، انرژی، آموزش، بهداشت و... پرداخت می‌کند و پناهندگان افغانی مشابه ایرانی‌ان از یارانه‌های عمومی استفاده می‌کنند.

حضور پناهندگان در تمامی کشورها عکس‌العمل‌هایی را به وجود آورده است. در بسیاری از کشورهای اروپایی، برخی از شهروندان، پناهندگان را مورد تعرض قرار می‌دهند. ولی در ایران، با آنکه بسیاری معتقدند که حضور افغان‌ها موجب گسترش فقر در ایران بوده، و به همین جهت نسبت به حضور طولانی افغان‌ها در ایران معترض هستند، اما خوشبختانه هیچ‌گاه موردی از تعرض به افغان‌ها در تهران، که بیش از ۱۵۰ هزارکارگر افغانی را در خود جای داده، دیده نشده است^۱ (خواججه‌پور، ۱۳۷۵).

گروهی معتقدند که برای حل مشکل بی‌کاری، کارگران افغانی که فرصت‌های شغلی را اشغال کرده‌اند، باید به کشور خود بازگردند. این گروه معتقدند که افغان‌ها دیگر کارگران موقتی مهاجر نیستند که طی سال‌های آتی ایران را ترک کنند. با گذشت بیش از ۲۰ سال، بسیاری از خانوارهای افغانی دیگر به بازگشت به افغانستان، که در مقایسه با ایران، سطح رفاه در آن پایین است، تمایلی ندارند.

۳-۱. تأثیر حضور کارگران افغانی بر دستمزد

همان‌گونه که اشاره شد؛ قسمت کوچکی از مهاجری‌ن افغانی (کمتر از ۱۰ درصد) در اردوگاه‌های پناهندگان زندگی می‌کنند و بخش عمده افغان‌ها در می‌ان ایرانی‌ان مسکن گزیده‌اند. پناهندگانی که در اردوگاه‌ها هستند از دولت ایران و کمی‌ساری‌ای عالی پناهندگان سازمان ملل کمک‌هایی دریافت می‌کنند، ولی افغان‌هایی که خارج از اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند باید مخارج خود را با کار کردن تأمین کنند. در واقع، یافتن کار با دستمزد بالاتر انگیزه اصلی بسیاری از افغان‌ها برای مهاجرت به

۱. متأسفانه مواردی از برخورد می‌ان ایرانی‌ها و افغانی‌ها در بعضی شهرهای کوچک ایران دیده شده است.

ایران بوده است.^۱ افغان‌های فقیر برای یافتن کار به ایران مهاجرت کرده‌اند ولی بازرگانان ثروتمند افغانی به کشورهای چینی چون عربستان سعودی و امارات مهاجرت کرده و تحصیلات کرده‌های متمول افغانی به اروپا رفته‌اند (می‌هن، ۲۰۰۱).

مهاجرت افغانی عموماً به صورت غیر قانونی در ایران کار می‌کنند، به همین دلیل، مجبورند که کارهای دشوار را با دستمزدهای پایین بپذیرند. آنها نمی‌توانند از کارفرمایان درخواست کنند که آنها را بی‌مه کنند.

کارگران افغانی به فعالیت‌های مختلفی چون کارهای ساختمانی، کار در مرغداری‌ها و گاوداری‌ها و... اشتغال دارند. آنها همواره در وحشت اخراج از ایران و بازگشت اجباری به افغانستان زندگی می‌کنند. به همین دلیل، ترجیح می‌دهند که در کارگاه‌های دور از مرکز شهر کار کنند تا از چشم بازرسان وزارت کار و تأمین اجتماعی پنهان بمانند.

کارگران افغانی غالباً در کارگاه‌ها، ساختمان‌های نیمه تمام، گاوداری‌ها و ایاتاق‌های کوچکی که فاقد امکانات رفاهی است، زندگی می‌کنند. آنها قادر نیستند که هزینه اجاره مسکن‌های نسبتاً مناسب و مجهز را بپردازند. کارگران افغانی، به دلیل عدم پرداخت اجاره‌های سنگین برای مسکن، می‌توانند با دستمزدهای پایین در ایران زندگی کنند ولی برای کارگران ایرانی که مجبورند هزینه‌های یک زندگی معمولی را تأمین کنند، پذیرش دستمزدهای پایین بسیار دشوار است. به همین جهت در بسیاری از مواقع، رقابت برای اشغال فرصت‌های شغلی برای کارگران غیر ماهر، به نفع کارگران افغانی تمام می‌شود.

به دلیل سخت‌کوشی و پذیرش دستمزدهای پایین، کارگران افغانی توانسته‌اند برخی از مشاغل را به انحصار خود درآورند. به طور مثال، بیش از ۸۰ درصد کارگران ساختمانی در کرج افغانی هستند و حفر چاه که در گذشته به وسیله کارگران بومی، عموماً همدانی‌ها، صورت می‌گرفت، در حال حاضر فقط افغانی‌ها انجام می‌دهند (کارو کارگر، ۱۳۸۱).

بسیاری از کارفرمایان ایرانی، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، ترجیح می‌دهند که کارگران افغانی را استخدام کنند. شمار کارگران غیرقانونی افغانی در بخش دولتی، پس از پایان جنگ ایران و عراق، در دوران بازسازی اقتصادی کشور، به سرعت افزایش یافت. افغان‌ها در شهرداری‌ها به صورت کارگر روزمزد استخدام شدند. بسیاری از کارفرمایان پروژه‌های دولتی مانند لوله‌کشی گاز، ایجاد سیستم فاضلاب، احداث مترو و... کارگران افغانی را در نقاط مختلف کشور به کارگماشتند (نوروز، ۱۳۸۰).

۱. احتمال یافتن کار در پاکستان برای کارگران غیرماهر افغانی بسیار ضعیف است.

برخی از کارگران ساده افغانی، اکثر زنان و کودکان افغانی که در کوره‌های آجرپزی یا کارگاه‌های قالی‌بافی و... کار می‌کنند؛ دستمزدهای کمی کمتر از حداقل مزد رسمی کشور دریافت می‌کنند. با این همه، احتمال یافتن شغل مهمتری در انگیزه افغان‌ها برای اقامت در نقاط مختلف ایران بوده است. اکثر مهاجرین افغانی در مناطق ثروتمند ایران مسکن گزیده‌اند.^۱

در سال ۱۳۸۱ حدود ۷۰ درصد از افغان‌های مهاجر در ۵ استان کشور زندگی می‌کرده‌اند. استان تهران بیشترین سهم از کارگران افغانی را در خود جای داده است. با توجه به اینکه کارگران افغانی به طور عمده در فعالیت‌های ساختمانی جذب می‌شوند؛ میزان افزایش دستمزد در بخش ساختمان بسیاری محدودتر از دیگر بخش‌های اقتصادی بوده است. به عبارت دیگر، با افزایش عرضه نیروی کار غیررماهر به دلیل حضور کارگران افغانی، دستمزد واقعی کارگران بومی در بخش ساختمان کاهش یافته است و کارفرمایان از کاهش هزینه نیروی کار بهره‌مند شده‌اند.

کارگران ساده شاغل در بخش ساختمان فاقد اتحادیه‌های کارگری اصلی و قدرتمند هستند و نمی‌توانند به طور متشکل نسبت به دستمزدهای نازلی که دریافت می‌دارند اعتراض کنند. همان‌گونه که در جدول (۲) و نمودار (۲) ملاحظه می‌شود؛ طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۷۹ دستمزد در بخش ساختمان بسیاری پایین‌تر از متوسط دستمزد در کل کشور بوده است. طی سال‌های دهه ۱۳۷۰ متوسط دستمزد در بخش ساختمان پایین‌تر از نرخ رسمی حداقل دستمزد بوده است (نمودار ۳). به عبارت دیگر، کارگران ساختمانی غیرمتشکل، عموماً از حمایت‌های قانون کار بی بهره بوده‌اند و دستمزد واقعی آنان، به دلیل افزایش عرضه نیروی کار غیررماهر، کاهش یافته است. بنابراین، در ایران وضعیتی به وجود آمده که در الگوی بورجاس (Borjas, 1995) نشان داده شده است. کارگران افغانی در ایران مزد بالاتری، نسبت به سرزمین مادری، دریافت می‌کنند (۸ تا ۱۰ برابر بیشتر از دستمزد در افغانستان). بنابراین، کمابیش از کار در ایران راضی هستند. کارفرمایان ایرانی از استخدام کارگران افغانی با دستمزدهای پایین و بدون پرداخت حق بیمه بهره‌مند می‌شوند، ولی کارگران غیررماهر بومی از حضور کارگران افغانی متضرر می‌شوند.

۱. تنها مورد استثنای مربوط به استان سیستان و بلوچستان است. حدود ۱۵ درصد از کارگران افغانی در سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند. گروهی از این افراد در امر قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ایران فعال هستند. برخی نیز در اردوگاه‌های پناهندگان زندگی می‌کنند.

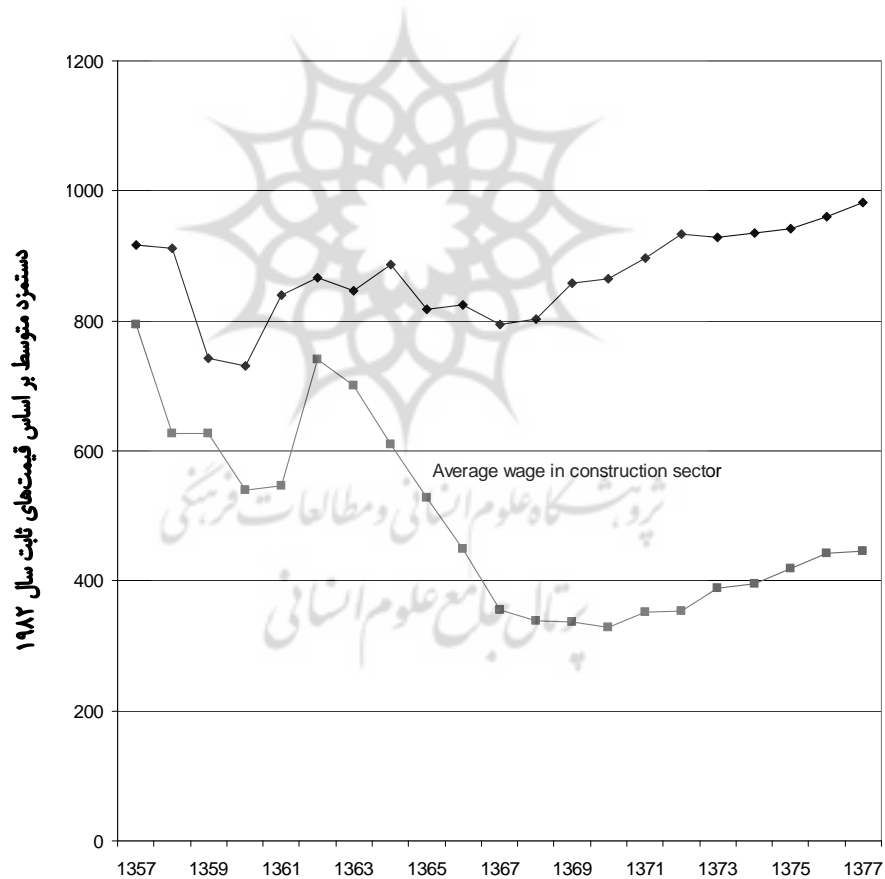
جدول ۲- حداقل و متوسط دستمزد در کل کشور و در بخش ساختمان

(دستمزد روزانه به ریال - قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

سال	حداقل دستمزد	متوسط دستمزد بخش ساختمان	متوسط دستمزد کل کشور
۱۳۵۷	۴۶۴	۷۹۴	۹۱۷
۱۳۵۸	۱۰۲۹	۶۲۷	۹۱۲
۱۳۵۹	۹۳۱	۶۲۷	۷۴۲
۱۳۶۰	۷۵۸	۵۴۰	۷۳۱
۱۳۶۱	۶۳۵	۵۴۶	۸۳۹
۱۳۶۲	۵۵۳	۷۴۱	۸۶۷
۱۳۶۳	۵۰۱	۷۰۰	۸۴۷
۱۳۶۴	۵۳۱	۶۱۰	۸۸۶
۱۳۶۵	۴۲۹	۵۲۸	۸۱۸
۱۳۶۶	۳۵۵	۴۴۹	۸۲۵
۱۳۶۷	۳۰۰	۳۵۶	۷۹۵
۱۳۶۸	۲۵۶	۳۳۹	۸۰۲
۱۳۶۹	۲۸۳	۳۳۷	۸۵۸
۱۳۷۰	۳۹۱	۳۲۸	۸۶۴
۱۳۷۱	۴۲۷	۳۵۲	۸۹۶
۱۳۷۲	۴۵۹	۳۵۴	۹۲۳
۱۳۷۳	۴۴۲	۳۸۸	۹۲۸
۱۳۷۴	۴۰۵	۳۹۶	۹۳۶
۱۳۷۵	۴۲۶	۴۱۹	۹۴۲
۱۳۷۶	۴۷۱	۴۴۳	۹۶۱
۱۳۷۷	۴۷۹	۴۲۸	۹۸۲
۱۳۷۸	۴۷۸	۳۹۹	۱۰۴۷
۱۳۷۹	۵۵۴	۳۷۴	۱۲۰۲
۶۷-۱۳۵۷	-۳۵/۲۹	-۵۵/۱۶	-۳۰/۱۳
رشد سالانه	-۴/۲۶	-۷/۷۱	-۱/۴۲
۱۳۷۹-۱۳۶۸	۱۱۶/۳۴	۱۰/۳۹	۴۹/۹۳
رشد سالانه	۷/۲۷	۰/۹۰	۳/۷۵
۱۳۷۹-۱۳۵۷	۱۹/۲۵	-۵۲/۸۷	۳۱/۱۳
رشد سالانه	۰/۸۰	-۳/۳۶	۱/۲۴

منابع: مستخرج از آمار حداقل دستمزد وزارت کار و امور اجتماعی، آمار دستمزد در کل کشور و بخش ساختمان از بانک مرکزی ایران
در حال حاضر، دولت و کارفرمایان ایرانی به فکر جبران زیان کارگران بومی نیستند. بنابراین، فقی‌رترین اقشار کشور بار حضور کارگران افغانی را به دوش می‌کشند.

نمودار ۲- تغییرات دستمزد در کل اقتصاد و در بخش ساختمان (قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)
(۱۳۶)

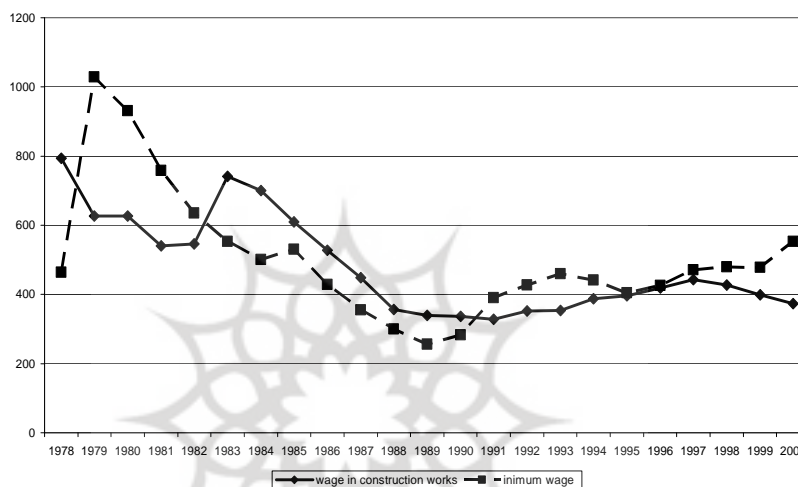


بخش قابل توجهی از نیروی کار بی‌سواد و کم‌سواد در بخش ساختمان مشغول به کار هستند. از این رو، بخشی از تفاوت می‌انگین دستمزد در این بخش با کل کشور قابل توجیه است ولی تشدید شکاف در طول زمان، تا حدود زیادی متأثر از افزایش عرضه نیروی کار ساده، در اثر حضور مهاجرین افغانی در بازار کار ایران است.



نمودار-۳. دستمزد متوسط در بخش ساختمان و حداقل رسمی دستمزد

(قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)



۳-۲. تأثیر کارگران افغانی بر نرخ بی‌کاری در ایران

شمار کثیری از کارگران غیر ماهر ایرانی با مشکل بی‌کاری و بی‌اشتغال ناقص دست به گری‌باندند. در طول دو دهه گذشته رشد فرصت‌های شغلی بسیار کمتر از رشد نیروی کار بوده است. به دلیل مشکل بی‌کاری و تفاوت سطح دستمزدها، بسیاری از ایرانیان تلاش می‌کنند که به دبی امارات متحده عربی مهاجرت کنند. مهاجرین افغانی نیز به دنبال دستمزد بالاتر و سطح زندگی بهتر به ایران می‌آیند.

مهاجرین افغانی کمتر از ۴ درصد از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، ولی حدود ۶ درصد از نیروی کار کشور هستند (وزارت کشور، ۱۳۸۰). زیرا، اکثر افغانی‌ها در سنین پایین وارد بازار کار می‌شوند. غالب کودکان افغانی‌های مهاجر تا ۲ سال پیش نمی‌توانستند در ایران به مدرسه بروند،

چون شناسنامه ندارند و به طور غیر قانونی در ایران زندگی می‌کنند.^۱ بنابراین، تا چند سال پیش کودکان افغانی نیز انتخابی جز کارکردن نداشتند. حتی برخی از کودکانی که روزها درس می‌خوانند، بعد از ظهرها کار می‌کنند. بخشی از زنان افغانی نیز به همراه پدران و همسران خود در کوره‌های آجرپزی، گاو‌داری‌ها و مرغ‌داری‌ها و... کار می‌کنند (نوروز، ۱۳۸۱). افزون بر این، بسیاری از مردان افغانی جدا از خانواده، برای یافتن کار به ایران آمده‌اند، به نحوی که در مقابل هر ۱۰۰ زن بی‌ش از ۱۶۰ مرد افغانی وارد ایران شده است. بنابراین، نرخ مشارکت در میان مهاجرین افغانی بالا است (وزارت کشور، ۱۳۸۰).

ممکن است تصور شود که حضور کارگران افغانی در برخی از استان‌های کشور به افزایش نرخ بی‌کاری در مناطق شهری و روستایی این استان‌ها منجر خواهد شد؛ ولی آمار موجود این نظریه را تأیید نمی‌کند. کارگران ایرانی و افغانی می‌توانند در نقاطی از کشور سکنی گزینند که تقاضا برای نیروی کار نسبتاً بالا باشد.

افغان‌ها عموماً در استان‌هایی که نرخ بی‌کاری در آنها بالا است (گیلان، ایلام، کرمانشاه) کار نمی‌کنند، چون می‌دانند که احتمال یافتن شغل در این استان‌ها پایین است. نتایج حاصل از طرح شناسایی نشان می‌دهد که حدود ۸۹۰ هزار کارگر افغانی در نقاط مختلف ایران شاغل هستند ولی نزدیکی به ۷۰ درصد آنها در ۵ استان زندگی می‌کنند. تهران بیشترین سهم از مهاجرین افغانی را در خود جای داده است. حدود ۱۸ درصد از کارگران افغانی در استان تهران زندگی می‌کنند. این استان ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تولید می‌کند. بنابراین، یافتن کار در این استان هدفی عقلایی برای مهاجرین روستایی ایران و مهاجرین افغانی است.

پس از تهران، استان‌های اصفهان، خراسان و فارس درصد بالایی از مهاجرین افغانی را در خود جای داده‌اند. این ۴ استان در مجموع ۴۰ درصد از جمعیت و ۴۳/۵ درصد از نیروی کار و ۴۲ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. بدیهی است که مهاجرین افغانی به دلیل بالا بودن احتمال یافتن کار با دستمزدهای نسبتاً خوب به این استان‌ها آمده‌اند (جدول ۳).

الگوسازی برای مهاجرت در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است ولی هنوز الگوی ریاضی ویژه‌ای در پژوهش‌های تجربی به طور گسترده مورد پذیرش قرار نگرفته است (Chiswick, 2000).

۱. اخیراً دولت اعلام کرده که برای ثبت نام کودکان افغانی در مدارس نیازی به شناسنامه نیست و این گروه در مدارس خاصی می‌توانند تحصیل کنند.

به همین دلیل، برای بررسی می‌زان تأثیر حضور کارگران افغانی بر نرخ بیکاری در ایران از الگوی رایج اقتصادسنجی استفاده شده است.

بدین منظور، معادلات رگرسیونی با روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده شده است. اطلاعات مورد استفاده در الگو مربوط به نتایج طرح شناسایی وزارت کشور و آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران در مورد استان‌های کشور است. متغیرهای الگو عبارتند از:

- ، Y نرخ بیکاری در استان‌های کشور
- ، Y1 نرخ بیکاری در مناطق روستایی استان‌های کشور
- ، X1 سهم استان‌ها در کل ارزش افزوده کشور
- ، X2 سهم استان‌ها در کل جمعیت فعال
- ، X3 درصد کارگران افغانی در استان‌ها نسبت به کل کارگران افغانی در ایران
- ، X4 ارزش افزوده بخش ساختمان در استان نسبت به کل ارزش افزوده بخش در کشور

جدول - ۳. توزیع کارگران افغانی در استان‌های ایران (۱۳۸۰)

استان	سهم از جمعیت کشور	سهم از GDP	سهم از اشتغال کشور	سهم از کارگران افغانی
تهران	۱۷/۶۶	۲۴/۵۵	۱۹/۷	۱۷/۶
اصفهان	۶/۵۶	۶/۴۹	۷/۱	۱۴/۷
خراسان	۹/۵۵	۶/۲۸	۱۰/۶	۱۰/۹
فارس	۶/۳۳	۴/۲۸	۶/۱	۱۰/۱۲
جمع ۴ استان	۴۰/۱	۴۱/۶	۴۳/۵	۵۳/۳۲
سیستان و بلوچستان	۳/۰۸	۱/۰۷	۲/۱	۱۳/۸۸
جمع ۵ استان	۴۳/۱۸	۴۲/۶۷	۴۵/۶	۶۷/۲

منبع: مرکز آمار ایران، برای آمار جمعیت، اشتغال و تولید ناخالص داخلی در استان‌های کشور، وزارت کشور، طرح شناسایی مهاجرین افغانی، برای کارگران افغانی.

تمامی متغیرها به شکل درصد هستند که سهم هر استان را در متغیر مورد نظر نشان می‌دهند. تعداد مشاهدات مربوط به ۲۵ استان است. اطلاعات مربوط به سیستان و بلوچستان در الگو وارد نشده، تا مشکل ناهمسانی واریانس در الگو بروز نکند. زیرا، این استان در مقایسه با سایر نقاط کشور حالتی استثنایی دارد و به علت واقع شدن در مرز ایران و افغانستان شمار کثیری از مهاجرین افغانی را در خود جای داده است، در حالی که از رونق اقتصادی برخوردار نیست. ضمناً به دلیل عدم امکان تفکیک اطلاعات مربوط به تعداد شاغلان و جمعیت فعال استان‌های گلستان و قزوین، آمار مربوط به این دو استان به ترتیب در استان‌های مازندران و زنجان ادغام شده است.

در معادله شماره (۱) نرخ بیکاری در هر استان به صورت تابعی از ارزش افزوده (متغیر جای‌گزی تقاضا برای نیروی کار)، و جمعیت فعال بومی و کارگران مهاجر افغانی در هر استان (در مجموع عرضه نیروی کار)، معرفی شده است. تخمین این معادله نشان می‌دهد که رابطه منفی ضعیفی میان نرخ بیکاری و میزان حضور کارگران افغانی در هر استان وجود دارد (آماره t نزدیکی به ۲ است). به عبارت دیگر، در هر استانی که شمار کارگران افغانی بیشتر است، نرخ بیکاری پایین‌تر است. وجود

این رابطه منفی به دلیل آن است که کارگران مهاجر در نقاطی سکنی گزیده‌اند که نرخ بی‌کاری پایین‌تر بوده است.

$$Y = 10.51 + 0.27 X_1 - 0.084 X_2 - 0.46 X_3 \quad (1)$$

$$9.78 \quad 0.997 \quad -0.183 \quad -1.968$$

$$R^2 = 0.219$$

از آنجا که کارگران مهاجر افغانی رقیب کارگران کم سواد و غیرماهر بومی هستند که غالباً از مناطق روستایی به شهرها مهاجرت می‌کنند، ممکن است تصور شود که با افزایش حضور کارگران افغانی در برخی از استان‌های نسبتاً پررونق ایران، مهاجرین روستایی شانس کمتری برای یافتن کار در شهرهای این استان‌ها دارند، لذا، مهاجرت از روستاها به مناطق شهری استان‌های مزبور کاهش یافته و نرخ بی‌کاری در روستاها افزایش پیدا کند. برای آزمون این نظریه معادله رگرسیونی شماره (۲) تخمین زده شده است. نتایج حاصل از این تخمین فرضیه مزبور را تأیید نمی‌کند.

$$Y_1 = 10.74 + 0.299X_1 - 0.135X_2 - 0.502X_3 \quad (2)$$

$$7.97 \quad 0.879 \quad -0.235 \quad -1.698$$

$$R^2 = 0.183$$

به دلیل آنکه روستاییان می‌توانند به نقاط مختلف کشور مهاجرت کنند، لزوماً حضور مهاجرین افغانی در برخی از استان‌های کشور، به معنی امکان‌پذیر نبودن مهاجرت روستاییان این استان‌ها به نقاط شهری نیست. روستاییان از وضعیت بازارکار شهرها و احتمال یافتن کار در مناطق مختلف آگاهی دارند، بنابراین، به طور نسبی بهترین مقصد را برای مهاجرت انتخاب می‌کنند. نتایج معادله شماره (۲)، مشابه معادله شماره (۱)، نشان می‌دهد که مهاجرین روستایی همانند کارگران مهاجر افغانی در شهرهای اقامت می‌گزینند که در آنها تقاضا برای نیروی کار غیرماهر بالا است. حضور کارگران افغانی در برخی از استان‌های کشور احتمالاً به افزایش بی‌کاری پنهان منجر شده است. زیرا، کشاورزی که در بخشی از سال بی‌کار است و گرایی‌شی به مهاجرت نیز ندارد، می‌تواند مثلاً به طور موقت به صورت کارگر ساختمانی کار کند. حضور کارگران ارزان و پرکار افغانی احتمال یافتن کار برای این گروه را کاهش می‌دهد. به دلیل موجود نبودن آمار دقیق در مورد کم کاری و بی‌کاری پنهان، برآورد تغییرات نرخ بی‌کاری پنهان به دلیل وجود کارگران افغانی در بازارکار استان‌های مختلف امکان‌پذیر نیست.

براساس نتایج نمونه‌گیری اشتغال خانوارها در سال ۱۳۸۱، حدود ۱۲/۶ درصد از کل نیروی کار ایران به صورت آشکار بی‌کار بوده‌اند. این نرخ در مناطق شهری ۱۴/۷ و در مناطق روستایی حدود ۱۰ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱). تفاوت در نرخ بی‌کاری شهرها و روستاها نیز نشان می‌دهد که حضور کارگران افغانی مانعی بر سر راه مهاجرت از روستاها به مناطق شهری نبوده است. در معادله شماره (۳) به جای بررسی تأثیر حضور کارگران افغانی بر نرخ بی‌کاری، عوامل مؤثر بر حضور مهاجری افغانی در استان‌های مختلف کشور مورد بررسی قرار گرفته است. این معادله نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری میان تعداد کارگران افغانی و کل نیروی کار بومی در استان‌های مختلف کشور وجود دارد.

$$X3 = 3.34 + 0.046 X1 + 0.82 X2 - 0.34 Y \quad (3)$$

$$1.65 \quad 0.191 \quad 2.353 \quad -1.969$$

$$R^2 = 0.64$$

این معادله وجود رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار میان تعداد کارگران افغانی و کل نیروی کار در استان‌های مختلف را مورد تأکید قرار می‌دهد. در عین حال، نشان می‌دهد که رابطه‌ای منفی میان نرخ بی‌کاری و تعداد کارگران افغانی در استان‌های کشور وجود دارد. معادله شماره (۳) این نظریه را که کارگران افغانی در مناطقی سکنی گزیده‌اند که نیروی کار بی‌شتر و نرخ بی‌کاری کمتر (احتمال یافتن کار بالاتر) دارد، به وضوح تأیید می‌کند.

عدم وجود ارتباط میان میزان ارزش افزوده و تعداد کارگران افغانی در استان‌های مختلف کشور نیز منطقی است، زیرا، در برخی از استان‌ها (مثل خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد)، ارزش افزوده بالا ناشی از استخراج نفت و گاز بوده است که صنایعی سرمایه‌بر هستند و فرصت‌های شغلی زیادی برای نیروی کار غیر ماهر ایجاد نمی‌کنند.

برای به دست آوردن رابطه‌ای دقیق‌تر، معادله شماره (۴) تخمین زده شده است. در این معادله در هر استان ارزش افزوده بخش ساختمان (که تقاضا برای استخدام کارگران افغانی در آن بالا است)، به جای کل ارزش افزوده در تمامی بخش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر، $X4$ (ارزش افزوده بخش ساختمان) جای‌گزین $X1$ (کل ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی) شده است.

$$X3 = 3.75 + 0.73 X4 - 0.16 X2 - 0.27 Y \quad (4)$$

$$2.16 \quad 2.36 \quad -0.34 \quad -1.803$$

$$R^2 = 0.72$$

رابطه مستقیم و معنی‌دار میان ارزش افزوده بخش ساختمان و تعداد کارگران افغانی در استان‌های مختلف ایران، در معادله شماره (۴) مورد تأیید قرار گرفته است، ولی در این معادله ارتباط میان

تعداد کارگران افغانی و نیروی کار بومی در هر استان معنی‌دار نیست. این تفاوت بین معادله شماره (۳) و (۴) ناشی از وجود همبستگی شدیدی میان ارزش افزوده بخش ساختمان (بخش کاربر) و میزان نیروی کار در هر استان است. بنابراین، معادله شماره (۴) حضور کارگران مهاجر افغانی در بخش ساختمان را مورد تأیید قرار می‌دهد (اطلاعات مربوط به متغیرها و نتایج حاصل از تخمین معادلات در ضمیمه مقاله آمده است).

بدیهی است که کارگران افغانی عرضه نیروی کار ایران را افزایش داده‌اند، و این امر به نوبه خود سبب کاهش دستمزد کارگران ساده، به ویژه در بخش ساختمان، شده است. کاهش هزینه نیروی کار و در پی آن کاهش هزینه تولید می‌تواند به افزایش محصول منجر شده و مانع از افزایش نرخ بی‌کاری شود. به دلیل محدودیت اطلاعات در مورد تغییری در تعداد کارگران افغانی در ایران در طول ۲۵ سال گذشته، تخمین میزان تأثیر حضور مهاجرین افغانی بر نرخ بی‌کاری کشور به صورت دقیقی امکان‌پذیر نیست. ولی با بررسی وضعیت اقتصادی کشور می‌توان در باره این تأثیر بحث کرد. در این رابطه دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد.

دیدگاه اول، برخی از کارشناسان و مقامات رسمی کشور معتقدند که اگر افغان‌ها، که حدود یک میلیون فرصت شغلی را در ایران اشغال کرده‌اند، به کشور خوبی بازگردند؛ کارگران بی‌کاری ایرانی امکان کار خواهند یافت. همان‌گونه که در بالا اشاره شد؛ نرخ بی‌کاری در ایران، در اردیبهشت ۱۳۸۱، حدود ۱۲/۶ درصد اعلام شده است. با احتساب حدود ۱۸/۵ میلیون نفر جمعیت فعال در کشور، شمار بی‌کاران به بیش از ۲/۳ میلیون نفر بالغ می‌شود. برای این اساس، اگر کارگران افغانی ایران را ترک کنند و کارگران ایرانی جای‌گزین آنها شوند؛ نرخ بی‌کاری به کمتر از ۸ درصد کاهش خواهد یافت (اطلاعات، ۱۳۸۱).

دیدگاه دوم، برخی از اقتصاددانان و فعالان تشکلهای کارفرمایی، برخلاف گروه اول، برای این عقیده‌اند که اگر کارگران ایرانی جای‌گزین کارگران افغانی شوند، هزینه تولید به شدت افزایش و تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی کاهش خواهد یافت. این گروه اظهار می‌دارند که خروج کارگران افغانی به کمبود نیروی کار ساده در کشور منجر خواهد شد، زیرا، نیروی کار تحصیل کرده ایرانی مشاغل دشواری که افغان‌ها اشغال می‌کردند، نمی‌پذیرد و شمار بی‌کاران بی‌سواد و کم‌سواد که می‌توانند به جای افغان‌ها کار کنند؛ به اندازه کافی نیست، بنابراین، دستمزد کارگران ساده و هزینه تولید، به ویژه در بخش ساختمان، افزایش خواهد یافت.

در جدول شماره (۴) آمار مربوط به تعداد کارگران افغانی و شمار بی‌کاران بی‌سواد و کم‌سواد (دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر)، در استان‌های مختلف کشور ارائه شده است. به طور مثال، در استان

تهران ۱۵۷۰۰۰ افغانی مشغول به کار هستند (وزارت کشور، ۱۳۸۰)، در حالی که تعداد بی‌کاران بی‌سواد و کم‌سواد این استان کمتر از ۱۰۷۰۰۰ نفر است.

در استان اصفهان حدود ۱۳۰ هزار کارگر افغانی زندگی می‌کنند، در حالی که تعداد بی‌کاران بی‌سواد و کم‌سواد در این استان که ممکن است کارهای سخت را بپذیرند، کمتر از ۶۰ هزار نفر است.

بیش از ۶۷ درصد از کارگران افغانی در ۹ استان کشور، که تعداد بی‌کاران بی‌سواد و کم‌سواد در آنها نسبتاً پایین است، به کار مشغول هستند. قطعاً بخشی از این بی‌کاران (از جمله بسیاری از افراد بالای ۴۰ سال و زنان)، مالی نی‌ستند و می‌توانند کارهای دشوار، چون چاه‌کشی، حمل بارهای سنگین و انواع مختلف کارهای ساختمان‌سازی را بپذیرند. بنابراین، بازگشت افغان‌ها به کمبود نیروی کار ساده در بسیاری از استان‌های ایران منجر می‌شود.

براساس این دیدگاه در غیاب کارگران افغانی، دستمزد کارگران غیر ماهر شدیدی افزایش خواهد یافت و اگر افزایش دستمزد به کاهش تقاضا برای نیروی کار منجر شود؛ در نتیجه بازگشت افغان‌ها نرخ بی‌کاری کاهش نخواهد یافت. بنابراین، ممکن است در اثر خروج کارگران افغانی نرخ بی‌کاری ثابت باقی بماند و یا حتی، در اثر کاهش شدیدی تولید، بالا رود.

شمار بی‌کاران بی‌سواد و کم‌سواد در ایران بیش از ۱/۲ می‌لیون نفر است. اگر افغان‌ها ایران را ترک کنند و دستمزد کارگران ساده افزایش یابد، بسیاری از بی‌کاران به استان‌های مهاجرت خواهند کرد که احتمال یافتن شغل در آنها بالاست و بدین ترتیب، فرصت‌های شغلی را کارگران بومی اشغال خواهند کرد که دستمزد بالاتری دریافت می‌کنند.

جدول-۴. بی‌کاران بی‌سواد و کم‌سواد ایرانی و کارگران افغانی در برخی از استان‌های ایران (۱۳۸۰)

ردیف	استان	بی‌کاران بی‌سواد و کم‌سواد	کارگران افغانی تعداد	درصد
۱	اصفهان	۵۷۷۰۵	۱۳۰۹۶۳	۱۴/۷
۲	تهران	۱۰۶۲۵۶	۱۵۶۷۹۱	۱۷/۶
۳	خراسان	۷۷۰۰۲	۹۷۱۰۰	۱۰/۹
۴	سمنان	۳۸۲۰	۲۶۹۵۲	۳/۰۳

تأثیر مهاجرین افغانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران

۴/۶۶	۴۱۵۳۱	۸۷۲۳	قم	۵
۷/۶۴	۶۸۰۶۴	۲۷۷۵۰	کرمان	۶
۲/۴۹	۲۲۱۹۷	۱۶۱۲۳	مرکزی	۷
۳/۰۹	۲۷۴۹۴	۱۶۹۳۶	هرمزگان	۸
۳/۲۵	۲۸۹۶۹	۷۳۰۰	یزد	۹
۶۷/۳۶	۶۰۰۰۶۱	۳۲۱۷۰۵	جمع ۹ استان	

منابع: استخراج شده از "طرح شناسایی کارگران افغانی"، وزارت کشور و مرکز آمار ایران.

در طول سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان به شدت افزایش یافته است (بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۲).^۱ افزون بر این، هزینه‌نیروی کار ساده در فعالیت‌های ساختمانی، به ویژه در شهرهای که قیمت زمین در آنها بسیار بالاست، کمتر از ۱۰ درصد هزینه تولید را به خود اختصاص می‌دهد. از این رو، به نظر نمی‌رسد که افزایش دستمزد کارگر ساده به کاهش تولید در بخش ساختمان منجر شود. در چنین وضعیتی خروج مهاجرین افغانی به کاهش نرخ بی‌کاری در کشور می‌انجامد.

۴. آیا مهاجرین افغانی به کشور خویشتن باز می‌گردند؟

خشونت‌های قومی و جناحی، مشکلات اقتصادی و عدم امکان یافتن کار در اکثر نقاط افغانستان مانع از بازگشت مهاجرین است. افزون بر این، صدها هزار نفر بی‌خانمان در سرتاسر خاک افغانستان سرگردانند که به علت قحطی شدیدی محل زندگی خود را ترک کرده‌اند. بیش از دو دهه جنگ داخلی زیرساخت‌های اقتصادی را از بین برده است و حتی برای بخش بزرگی از ساکنین افغانستان کاری وجود ندارد. هزاران نفر بی‌خانمان در کابل در خرابه‌ها، ساختمان‌های عمومی، مساجد، انبارها و... زندگی می‌کنند. هنوز صدها هزارمین خنثی نشده در شهرها و روستاها وجود دارد که زندگی مردم را با خطر روبه‌رو کرده است. امروزه، گرسنگی و فقر چهره عمومی مردم افغانستان است. به همین جهت کارگران افغانی که می‌توانند هزینه‌های زندگی خود را در ایران تأمین کنند، هرچند از سطح رفاه بالایی برخوردار نباشند، و حتی اگر کار دائمی نداشته باشند، چون امیدوارند که در سال‌های آتی وضعیت شغلی باثبات‌تری خواهند داشت؛ تمایلی به بازگشت به افغانستان ندارند.

۱. سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان در سال ۱۳۸۱، نسبت به سال ماقبل، معادل ۱۲ درصد رشد یافته است (بانک مرکزی، ۱۳۸۲).

بسیاری از مهاجرین افغانی معتقدند که صلح و ثبات در افغانستان پایدار نیست. آنان از زد و خوردهای گروه‌های مختلف، فقر، گرسنگی و بیکاری در کشور خویشتن آگاهند. از این رو، نمی‌خواهند ریسک بازگشت به افغانستان را بپذیرند و امکان زندگی در ایران را از دست بدهند (کمی‌ساری‌ای عالی پناهندگان سازمان ملل، ۲۰۰۲ الف).

کارشناسان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تأکید می‌کنند که بازگشت اجباری مهاجرین به کشوری که وضعیت اقتصادی و امنیتی نامناسبی دارد، غالباً ناموفق است و افرادی که به کشور خویشتن بازگشته‌اند در اولین فرصت مجدداً کشور خود را ترک خواهند گفت (UNHCR، ۲۰۰۲ ب).

همان‌گونه که اشاره شد؛ در ایران دو دیدگاه متفاوت درباره مهاجرین افغانی وجود دارد. بدیهی است که کارگران ایرانی مخالف اقامت طولانی‌تر افغان‌ها در ایران هستند. به همین جهت، خانه کارگر و وزارت کار و امور اجتماعی خواستار بازگشت اجباری افغان‌ها و اقدام شدیدی برعلیه کارفرمایانی هستند که کارگر خارجی بدون اجازه کار، استخدام می‌کنند.^۱ ولی تاکنون جستجوی جدی و گسترده برای یافتن کارگران افغانی و کارفرمایان متخلف انجام نشده است.

وزارت کار و امور اجتماعی جدی‌ترین مخالف حضور کارگران افغانی در ایران است. کارشناسان وزارت کار معتقدند که برای کاهش نرخ بیکاری و کاهش فشار مالی خانوارهای فقیر ایرانی، باید کارگران بیکار ایرانی جلی‌گریزی افغانی‌ها شوند (کار و کارگر، ۱۳۸۰ ب).

با افزایش نرخ بیکاری در سال‌های اخیر، فشار وزارت کار بر دولت، برای جلوگیری از اشتغال غیرقانونی افغان‌ها، بیشتر شده است. دولت نیز رسماً اعلام کرده که مهاجرین افغانی باید ایران را ترک کنند و کارفرمایان متخلفی که افغانی‌ها را استخدام می‌کنند جریمه می‌شوند. ولی علی‌رغم جریمه‌های اعمال شده علی‌ه کارفرمایان متخلف و اخراج شماری از کارگران افغانی، وضعیت افغان‌ها در بازار کار ایران تاکنون تغییری چشم‌گیری نداشته است.

همان‌طور که اشاره شد، گروه دیگری که از تداوم اقامت افغان‌ها در ایران حمایت می‌کنند، معتقدند که کارگران ایرانی حاضر به پذیرش کارهای دشواری که در حال حاضر افغان‌ها انجام می‌دهند، نیستند. بنابراین، در غیاب کارگران افغانی، در بسیاری از مشاغل با کمبود متقاضی کار روبه‌رو خواهیم شد. لذا، بازگشت اجباری افغان‌ها به تورم دامن می‌زند (نوروز، ۱۳۸۰ ب).

۱. به طور مثال در طول ماه‌های مهر و آبان سال ۱۳۸۰ تعداد ۱۷۲۲۲ کارفرما به علت به‌کارگیری کارگر افغانی جریمه شدند. ولی این اقدامات تعداد کارگران افغانی را کاهش نداده است.

کمی‌ساری‌ای عالی امور پناهندگان سازمان ملل تأکید دارد که افغان‌ها برای بازگشت به کشور خویش تحت فشار قرار نگیرند. افزون بر این، برخی از ایرانیان، به دلیل ملاحظات انسانی، از حضور طولانی‌تر افغان‌ها در ایران حمایت می‌کنند.^۱

تا کنون دولت ایران برای بازگشت اجباری مهاجرین افغانی اقدامی نکرده است. به نظر می‌رسد که ترکیبی از ملاحظات انسانی، سیاسی و اقتصادی دولت ایران را برای پذیرش طولانی‌تر مهاجرین افغانی متقاعد کرده است.

بدیهی است که کارگران افغانی به زودی ایران را ترک نخواهند کرد و بخش بزرگی از این مهاجرین به ساکنین دائمی ایران مبدل خواهند شد.

۵. جمع بندی و پایان سخن

پس از جهش قیمت نفت در سال ۱۳۵۲، و تسریع آهنگ رشد اقتصادی در ایران، بسیاری از افغان‌ها برای کار به ایران آمدند. این گروه به صورت موقت در ایران کار می‌کردند و به کشور خود بازمی‌گشتند ولی پس از کودتا در افغانستان، در سال ۱۹۷۹ (چند ماه پس از انقلاب اسلامی در ایران)، موجی از پناهندگان افغانی به سوی ایران سرازیر شد.

بخش کوچکی از مهاجرین در اردوگاه‌های ویژه پناهندگان مسکن‌گزی‌دند ولی بیش از ۹۰ درصد آنها به شهرها و روستاهای ایران وارد شدند. ساکنین اردوگاه‌ها از کمک‌های دولت ایران و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل برخوردار شدند ولی مهاجرینی که خارج از اردوگاه زندگی می‌کنند، مجبورند با کارکردن، هزینه‌های خود را تأمین کنند.

مهاجرین افغانی که بدون مجوز در ایران کار می‌کنند، عموماً به کارهای سختی چون حفر چاه، حمل بارهای سنگین و کارهای ساختمانی اشتغال دارند. کارگران افغانی ساعت‌های طولانی کار می‌کنند و دستمزدشان نسبتاً پایین است، ولی همین دستمزد پایین در حدود ۸ تا ۱۰ برابر متوسط دستمزد در افغانستان است. بنابراین، برای کارفرمایان ایرانی، استخدام کارگر افغانی مقرون به صرفه است. در حالی که حضور مهاجرین افغانی در بازار کار ایران سبب کاهش دستمزد واقعی کارگران غیرمهاجر ایرانی، به ویژه در بخش ساختمان، شده است زیرا در طول دو دهه گذشته، دستمزد در

۲. محسن مخملباف، کارگردان ایرانی، طی سال‌های اخیر تلاش گسترده‌ای را برای کمک به مردم افغانستان و ممانعت از بازگشت اجباری مهاجرین افغانی به عمل آورده است. او طی نامه‌ای به آقای خاتمی، رئیس‌جمهور، اظهار داشته که بازگشت اجباری افغان‌ها به معنی مرگ میلی‌یون‌ها انسان در سرزمین‌های قحطی زده است.

بخش ساختمان، که مهم‌ترین متقاضی کارگران افغانی است، در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، از آهسته‌ترین آهنگ رشد برخوردار بوده و در دهه گذشته متوسط دستمزد کارگران غیر ماهر در بخش ساختمان، حتی کمتر از حداقل دستمزد بوده است.

بنابراین، نتایج این پژوهش صحت یافته‌های بورجاس را مورد تأیید قرار می‌دهد که نشان می‌دهد کارگران مهاجر و کارفرمایان کشور مهاجرپذیر از فرایند مهاجرت بهره‌مند ولی کارگران بومی از حضور نیروی کار مهاجر متضرر می‌شوند.

از آنجا که کارگران غیرماهر ساختمانی در ایران از داشتن تشکلی قدرتمند بی‌بهره‌اند، قادر به اعتراض سازمان‌یافته علی‌ه دستمزدهای پایین و شرایط نامناسب کار خویش نیستند. به همین جهت، کارگران غیرماهر بومی، که کمابیش در وضعیت مشابهی با کارگران مهاجر افغانی قرار گرفته‌اند، بازنده اصلی در جریان حضور کارگران افغانی در بازار کار ایران هستند.

اطلاعات مقطعی، تأثیر مستقیم حضور مهاجری افغانی بر افزایش نرخ بی‌کاری در شهرها و روستاهای استان‌های مختلف کشور را تأیید نمی‌کند. محاسبات اقتصادسنجی نشان نمی‌دهند که در مناطقی که کارگران افغانی متمرکز شده‌اند، نرخ بی‌کاری بالاتر بوده است. بالعکس، نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که کارگران افغانی در استان‌هایی سکنی گزیده‌اند که تقاضا برای نیروی کار ساده زیاد و نرخ بی‌کاری در مناطق شهری و روستایی نسبتاً پایین و احتمال یافتن شغل بالا بوده است.

در مورد حضور کارگران افغانی در بازار کار ایران دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. گروهی برای این باورند که خروج کارگران افغانی به افزایش شدیدی دستمزدها منجر می‌شود و تولید را به ویژه در بخش ساختمان، کاهش می‌دهد. بنابراین، ممکن است که در پی بازگشت مهاجری افغانی نرخ بی‌کاری ثابت باقی بماند و حتی افزایش بی‌دا کند.

گروهی دیگر با تداوم اقامت مهاجری افغانی مخالفند و معتقدند که خروج افغان‌ها بهترین راه‌حل مسئله بی‌کاری است؛ زیرا، قطعاً کارگران افغانی با افزایش عرضه نیروی کار ساده، نرخ بی‌کاری را در کل کشور افزایش داده‌اند. بنابراین، اگر کارگران افغانی ایران را ترک کنند، نرخ بی‌کاری در ایران کاهش خواهد یافت، ولی دستمزد کارگران ساده بالا خواهد رفت. این گروه اظهار می‌دارند که در سال‌های اخیر ایران با مشکل نرخ بالای بی‌کاری دست به گریبان بوده، در حالی که فرصت‌های محدود شغلی را افغان‌ها اشغال کرده‌اند.

نظر به اینکه در حال حاضر تولید در بخش ساختمان از رونق برخوردار است، وبا توجه به قیمت بالای زمین در شهرها، دستمزد نیروی کار ساده بخش کوچکی از هزینه‌های تولید در این

بخش را به خود اختصاص می‌دهد، احتمالاً افزایش دستمزد نیروی کار ساده، در تولید این بخش تأثیر شدیدی نخواهد داشت.

از سوی دیگر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تأکید دارد که به دلیل تداوم موقعیت نامناسب اقتصادی - اجتماعی در افغانستان، مهاجرین افغانی برای بازگشت به کشور خویش تحت فشار قرار نگیرند. بنابراین، ملاحظات انسانی نیز در پذیرش طولانی‌تر مهاجرین افغانی در ایران مؤثر بوده است.

بدیهی است که مهاجرین افغانی، به دلیل تداوم شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، تمایلی به ترک ایران ندارند، در عین حال، تا کنون جستجوی گسترده‌ای برای یافتن کارگران غیرمجاز افغانی و کارفرمایان متخلفی که آنان را استخدام می‌کنند، انجام نشده است. لذا، به نظر می‌رسد که تا چند سال آینده تعداد کارگران افغانی در بازار کار ایران کاهش محسوسی نخواهد داشت.

منابع

- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۲).
- بنی‌ی‌عقوب، ژیل. (۱۳۸۲). گزارش از افغانستان، ی‌اس نو، ۲۸ دی، ص ۸.
- خواجه پور خویی، بی‌ژن. (۱۳۷۵). پناهنده پذیری شهروندان تهرانی. گفتگو، شماره ۱۱، ص ۲۵-۳۱.
- نظری، حمید. (۱۳۶۷ الف). حمایت بی‌ن‌المللی از پناهندگان، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱، ص ۱۶-۱۹.
- نظری، حمید. (۱۳۶۷ ب). پناهندگی دسته جمعی: پدیده‌ای روبه گسترش، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲، ص ۱۴-۱۸.
- نظری، حمید. (۱۳۶۸). بازگشت آوارگان افغانی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸، ص ۲۹-۳۲.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۱). نمونه‌گیری از اشتغال و بی‌کاری خانوار.
- می‌پهن. (۱۳۸۰). جوزا و سرطان، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۱۲۵-۱۳۰.
- وزارت کشور. طرح شناسایی مهاجرین افغانی. (۱۳۸۰).
- هدایت، محمود. (۱۳۶۵). مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران. دفتر جمعیت و نیروی انسانی، معاونت امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- Altonji, Joseph G. and Card, David. (1991). The Effects of Immigration on the Labour Market Outcomes of Less Skilled Natives, in J. M. Abowd and R. B. Freeman (eds.), *Immigration, Trade and the Labor Market*, Chicago: University of Chicago Press.
- Borjas, George J. (1995). The Economic Benefits from Immigration. *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 9, No. 2, pp 3-22.
- Borjas, George J. (1994). The Economics of Immigration. *Journal of Economic Literature*, No. 32, pp 1667-717.
- Card, David. (1990). The Impact of the Mariel Boat on the Miami Labor Market. *Industrial and Labor Relations Review*, No. 43, pp 245-57.
- Chiswick, Barry R. (2001). The Economics of Illegal Migration for the Host Economy. In M.A.B. Siddique, ed. *International Migration into 21st Century*, London: Edward Elgar.
- Dunlevy, James A. and R. Saba. (1992). The Role of Nationality-Specific Characteristics on the Settlement Pattern of late Nineteenth Century. *Explorations in Economic History*, No. 29, pp 228-49.

- Green, Alan G. and David A. Green. (1993). Balanced Growth and the Geographical Distribution of European Immigrant Arrivals to Canada, 1912. *Exploration in Economic History*, No. 30, pp 31-59.
- Greenwood, Michael J. and M. McDowell, John. (1986). The National Labour market Consequences of US Immigration. In Herbert Giersch (ed.), *Economic Aspects of International Migration*, Berlin: Springer-Verlag.
- Makhmalbaf, M. (2001). A limb for no one: The tragedy of Afghanistan. *Monthly Review*, Nov., pp 41-60.
- Teitelbaum, Michael S. and Winter, Jay. (1998). *A Question of Numbers: High Migration, Low Fertility, and the Politics of National Identity*, New York: Hill and Wang Press.
- UNHCR. (2002a). Internet News, Feb. 6.
- UNHCR. (2002b). Internet News, Aug. 15.
- UNHCR. (2003a). Afghan Refugees Return to Uncertain Future. Internet news, Jan. 22.
- UNHCR. (2003b). Afghan Refugees in Iran Describe Horror of Heart. Internet News, Jan. 22.
- Weinstein, Eric. (2002). Migration for the benefit of all: Towards a new paradigm for Economic Immigration. *International Labour Review*, Vol. 141, No. 3.

پیوست

نتایج حاصل از تخمین معادلات رگرسیونی

معادله شماره (۱):

Dependent Variable: Y				
Method: Least Squares				
Date: 05/01/03 Time: 13:59				
Sample: 1 25				
Included observations: 25				
Prob.	t-Statistic	Std. Error	Coefficient	Variable
0.0000	9.780533	1.074946	10.51355	C
0.3302	0.996762	0.271760	0.270880	X1
0.8562	-0.183498	0.458757	-0.084181	X2
0.0623	-1.968549	0.235970	-0.464519	X3
9.658800	Mean dependent var		0.219469	R-squared
3.920841	S.D. dependent var		0.107965	Adjusted R-squared
5.601886	Akaike info criterion		3.703140	S.E. of regression
5.796906	Schwarz criterion		287.9782	Sum squared resid
1.968258	F-statistic		-66.02358	Log likelihood
0.149659	Prob(F-statistic)		1.426777	Durbin-Watson stat

Estimation Command:

LS Y C X1 X2 X3

Estimation Equation:

$$Y = C(1) + C(2)*X1 + C(3)*X2 + C(4)*X3$$

Substituted Coefficients:

$$Y = 10.5135458 + 0.2708799878*X1 - 0.08418109723*X2 - 0.4645190504*X3$$

معادله شماره (۲):

Dependent Variable: Y1				
Method: Least Squares				
Date: 05/01/03 Time: 14:10				
Sample: 1 25				
Included observations: 25				
Prob.	t-Statistic	Std. Error	Coefficient	Variable
0.0000	7.977478	1.346573	10.74225	C
0.3891	0.879487	0.340431	0.299404	X1
0.8163	-0.235191	0.574680	-0.135159	X2
0.1043	-1.698059	0.295597	-0.501941	X3
9.673600	Mean dependent var		0.182666	R-squared
4.799737	S.D. dependent var		0.065904	Adjusted R-squared
6.052470	Akaike info criterion		4.638881	S.E. of regression
6.247490	Schwarz criterion		451.9036	Sum squared resid
1.564427	F-statistic		-71.65588	Log likelihood
0.227674	Prob(F-statistic)		1.526561	Durbin-Watson stat

Estimation Command:

```
=====
LS Y1 C X1 X2 X3
```

Estimation Equation:

```
=====
Y1 = C(1) + C(2)*X1 + C(3)*X2 + C(4)*X3
```

Substituted Coefficients:

```
=====
Y1 = 10.74225356 + 0.2994042705*X1 - 0.1351594612*X2 -
0.5019413757*X3
```



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معادله شماره (۳) :

Dependent Variable: X3				
Method: Least Squares				
Date: 05/01/03 Time: 14:19				
Sample: 1 25				
Included observations: 25				
Prob.	t-Statistic	Std. Error	Coefficient	Variable
0.1146	1.646101	2.026014	3.335024	C
0.8507	0.190530	0.236106	0.044985	X1
0.0284	2.353595	0.347020	0.816745	X2
0.0623	-1.968549	0.170363	-0.335369	Y
3.444400	Mean dependent var		0.643618	R-squared
4.930332	S.D. dependent var		0.592707	Adjusted R-squared
5.276115	Akaike info criterion		3.146515	S.E. of regression
5.471135	Schwarz criterion		207.9117	Sum squared resid
12.64187	F-statistic		-61.95143	Log likelihood
0.000061	Prob(F-statistic)		1.565698	Durbin-Watson stat

Estimation Command:

```
=====
LS X3 C X1 X2 Y
```

Estimation Equation:

```
=====
X3 = C(1) + C(2)*X1 + C(3)*X2 + C(4)*Y
```

Substituted Coefficients:

```
=====
X3 = 3.335023558 + 0.04498535047*X1 + 0.8167447579*X2 -
0.3353688585*Y
```

معادله شماره (۴) :

Dependent Variable: X3				
Method: Least Squares				
Date: 05/01/03 Time: 15:04				
Sample: 1 25				
Included observations: 25				
Prob.	t-Statistic	Std. Error	Coefficient	Variable
0.0424	2.160751	1.733972	3.746682	C
0.0280	2.361322	0.309270	0.730285	X7
0.7361	-0.341520	0.460475	-0.157261	X2
0.0858	-1.802654	0.150086	-0.270554	Y3
3.444400	Mean dependent var		0.717904	R-squared
4.930332	S.D. dependent var		0.677604	Adjusted R-squared
5.042362	Akaike info criterion		2.799439	S.E. of regression
5.237382	Schwarz criterion		164.5740	Sum squared resid
17.81421	F-statistic		-59.02952	Log likelihood
0.000006	Prob(F-statistic)		1.927172	Durbin-Watson stat

Estimation Command:

=====

LS X3 C X7 X2 Y3

Estimation Equation:

=====

 $X3 = C(1) + C(2)*X7 + C(3)*X2 + C(4)*Y3$

Substituted Coefficients:

=====

$$X3 = 3.746682019 + 0.7302852979 * X7 - 0.1572613728 * X2 - 0.270553969 * Y3$$

متغیرهای استفاده شده در معادلات رگرسیون

	Provinces	Y	Y1	X1	X2	X3	X4
		Unemp. Rate (province)	Unemp. Rate (villages)	Share of Value added (all sectors)	Share of Labour force	Share of Afghan workers	Share of value added in const. sector
1	East Azerbaijan	6.21	5.23	4.05	6.13	0.08	2.63
2	West Azerbaijan	9.4	7.84	2.16	4.42	0	2.71
3	Ardebil	10.55	10.58	1.03	1.89	0	0.94
4	Isfahan	7.99	6.61	6.46	7.09	14.7	10.55
5	Ilam	17.19	19.29	0.6	0.71	0	0.49
6	Boushehr	7.27	8.42	1	1.09	1.39	1.01
7	Tehran	6.02	5.34	28.28	19.26	17.6	30.07
8	Chahar Mahal	7.82	7.09	0.62	1.26	0.04	1.01
9	Khorasan	6.92	7.24	6.28	10.43	10.9	9.9
10	Khuzestan	16.15	16.77	13.83	5.47	1.19	5.2
11	Zanjan	6.54	5.95	2.61	1.68	2.74	2.85
12	Semnan	4.72	5.27	0.73	0.86	3.03	1.3
13	Fars	10.31	10.92	4.28	6.24	10.12	5.72
14	Ghom	5.75	3.15	1.04	1.3	4.66	1.72
15	Kordestan	9	7.89	0.97	2.26	0.01	1.11
16	Kerman	8.5	9.44	3.25	3.11	7.64	2.99
17	Krmanshah	18.51	19.62	1.38	3	0.01	2.27
18	Kohkilooyeh	14.74	14.8	5.06	0.72	0.15	0.72
19	Guilan	13.36	13.84	2.53	4.6	0.27	4.52
20	Lorestan	15	18.1	1.35	2.28	0.06	0.95
21	Mazandaran	9.69	9.63	4.88	5.34	2.52	4.4
22	Markazi	7.5	5.7	2.26	6.13	2.49	2.79

23	Hormozgan	8.5	10.76	1.68	4.42	3.09	0.88
24	Hamadan	8.6	8.21	1.48	1.89	0.17	1.36
25	Yazd	5.23	4.15	1.13	7.09	3.25	1.92

